

روایتی از یک فینال پرماجرا در نیویورک

آفت غرور؛ سقوط پاریس

در شبی که آسمان نیویورک برق ستاره‌ها را قرض گرفته بود،هیچ کس تصور نمی‌کرد تیمی که بایسن مونبخ و رتال‌مادرید را پشت سر گذاشته،در فینال جام‌جهانی باشگاه‌ها اینگونه به زانو درآیند.پاری‌سن‌ژرمن آمده بود تا با قدرتمتایی، جشن قهرمانی را در مهنٔن برپا کند اما همه چیز خلاف انتظار پیش رفت. چلسی، غول آرام و پرنارژی لندن، با تاکتیکی ویرانگر، تیم انریکه را ۳ بر صفر شکست داد و جام را بالای سر برد.

■ **شروع توفانی شیرهای لندن؛ سرگیجه سن‌ژرمن**
 از همان دقیقه نخست، آبی‌های لندن نشان دادند بی‌رحمانه قصد حمله دارند. پرس خفه‌کننده چلسی نفس پارissi‌ها را در همان چند دقیقه‌اول برید.پاس‌های سریع و کوتاه خط میانی، توپ را به سرعت به مناطق حساس برد و دفاع حریف از هم پاشید.

اولین تهدید جدی چلسی با همکاری تماشایی انژوو پدرو شکل گرفت. حرکت هوشمندانه پدرو و پاس پشت پای او کول پالم‌ر را در موقعیتی طلایی قرار داد اما ضربه آرام او با پدشناسی به گل تبدیل نشد. این اخطار اولیه، پرده‌برداري از نمایشی بود که در ادامه، سالن نمایش را در شوک فرو برد.

■ **پالم‌ر؛ خنجر به قلب پاریس**

دقیقه ۲۲، صحنه‌ای رقم خورد که پارissi‌سی‌ها را در بهت فرو برد.ارسال دقیق از سمت راست به پالم‌ر رسید و او با آرامشی مثال‌زدنی، توپ را به کنج دروازه دوناروما فرستاد. این تازه آغاز قصه بود. ۸ دقیقه بعد، پالم‌ر دوباره با همان الگوی همیشگی، دفاع منززل سن‌ژرمن را به زانو درآورد و دومین گل را ثبت کرد.

اما کار به همین جا ختم نشد. تازه‌وارد پرهیاهوی چلسی، ژائو پدرو، در واپسین دقیق نیمه اول تیر خلاص را شلیک کرد. او که پیش‌تر مقابل فلومیننزه خوش درخشیده بود، در شبی بزرگ دوباره نمایش را فریاد زد. نیمه‌اول با نتیجه عجیب و بلورنکردنی ۳ بر صفر به سود چلسی پایان یافت؛ نتیجه‌ای که هیچ کس در هفتش حتی تصور نمی‌کرد.

■ **نیمه دوم؛ نبرد نامیدمانه پاریس**

پارissi‌ها نیمه دوم با ذهنیتی تازه وارد میدان شدند. دمیله با موقعیتی ایده‌آل، می‌توانست ورق را برگرداند اما واکنش خیره‌کننده سانچز، دروازه‌بان چلسی، امید را در نقطه خفه کرد. تغییرات انریکه، از جمله ورود بارکولا، راموس و رزیر امری، حکم قمار آخر را داشت. پاريس اما در شبی که همه چیز علبش بود، توان مقابله با نظم آهنین چلسی را نداشت.

خط حمله فرانسوی‌ها بارها تا آستانه گل پیش رفت ولی هر بار سانچز مثل صخره‌ای مقابل موج‌های توفانی ایستاد.شوت‌هایی پُر دریی ویتینیا، دمیله و دیگران یا توسط دروازه‌بان دفع شد یا به شکلی معجزه‌آسا از کنار چارچوب گذشت.

■ **صحنه‌های جنجالی و کارت قرمز عجیب**

در دقائق پایانی، یک درگیری لفظی میان بازیکنان، جو بازی را ملتهب کرد. داور با نشان دادن کارت زرد به کالویل، آرامش را بازگرداند اما لحنطانی بعد،اتفاقي عجيب رخ داد.نوس، بازیکن پاريس، هنگام درگیری، موهای بلند کوکویرا را از پشت کشید. داور ابتدا کارت زرد داد اما پس از بازبینی تصاویر VAR، تصمیمش را تغییر داد و کارت قرمز مستقیم نشان داد. این رفتار غیر حرفه‌ای، پاری‌سن‌ژرمن را ۱۰ نفره کرد و عملا امیدهای باقیمانده را هم بر باد داد.

■ **تاکتیک ناب و جنگ روانی**

چلسی در نیمه دوم هم با وجود حملات پر شمار حریف با نظم تاکتیکی خود دست نکشید.مارسکا، سرمربی جوان آبی‌ها، با شناخت دقیق نقاط ضعف تیم انریکه، بازیکنانش را طوری چیده بود که پاريس هیچ روزنه‌ای پیداکنند. حتی تعویض‌های اواخر بازی مثل ورود سانشوس و دلپ، بیشتر با هدف حفظ انرژی و مقابله با فشار روحی پاريس بود.

دلپ، مهاجم جوان، چند بار تا آستانه زدن گل چهارم پیش رفت اما درخشش دوناروما مانع شد. هرچند نتیجه دیگر تغییر نکرد اما نشان داد چلسی همچنان تشنه گل‌های بیشتری است.

■ **سانچز؛ دیوار لندن**

اگر کول پالم‌ر ستاره هجومی میدان بود، سانچز بی‌تردید قهرمان دیگر این نبرد بود. دروازه‌بان چلسی، با واکنش‌های غریزی و نبوغ لحنطانی، چندین بار دروازه تیمش را از فروپاشی نجات داد. شیرجه‌های بلند، خروج‌های جسورانه و مهار شوت‌های سرکش، او را به نمادی از مقاومت بدل کرد.

■ **پایان غم‌انگیز رؤیای فرانسوی**

پاری‌سن‌ژرمن، تیمی که با اقتدار به فینال رسیده بود، با یک شکست تلخ به خانه بازگشت. برای باشگاهی که صدها میلیون دلار صرف خرید بازیکنان نام‌سار کرده، این باخت چیزی بیش از یک فینال از دست رفته است. این شکست، ضربه‌ای سنگین به غرور پارissi‌ها وارد کرد و احتمالا پیامدهای مهمی در بی خواهد داشت.

■ **جشن قهرمانی آبی‌ها**

بازیکنان چلسی بعد از سوت پایان، غرق در شادی بودند. هواداران شان هم در نیویورک با پرچم‌های آبی خیابان‌ها را قرق کردند.

این پیروزی، پایان رؤیای پارissi‌سی‌ها و آغاز دوباره‌ای برای چلسی بود. تیمی که مدت‌ها زیر سایه نتایج منززل قرار داشت، حالا با این قهرمانی جهانی، نشان داد هنوز هم می‌تواند دنیا را شگفت‌زده کند.

■ **قصه‌ای برای تاریخ**

ایسن فینال، ورق جدیدی به کتاب تاریخ فوتبال اضافه کرد. شکست ۳ بر صفر پاريس، آن هم در فینال، پیام روشنی داشت: حتی پرستاره‌ترین تیم‌ها، اگر مغرور شوند و آماده نباشند، زمین خواهند خورد. چلسی در این شب جادویی، هم هنر تاکتیک را به رخ کشید و هم یادآوری کرد فوتبال، قصه‌ای از شجاعت، تمرکز و جنگیدن تا لحظه آخر است.

از زشت زشت کنار ترامپ تا انتشار عکس مشترک در صفحه شخصی که تیر خلاص به وطن‌دوستی افغانی بود

وقتی ریشه نباشد



به آن طرف، در استادیوم مت‌لایف نیوجرسی، بعضی هواداران پارissi که خاطره فینال لیگ قهرمانان اروپا را زنده کرده بودند، با پرچم فلسطین روی سکوها حاضر شدند و نشان دادند هنوز ورزش می‌تواند زبان همدردی و مقاومت باشد. در میانه شعارها، افغانی شاید برای چند لحظه نگاهش به همان پرچم‌ها افتاد ولی به جای همدردی یا لاقل سکوت، ترجیح داد با رئیس‌جمهور ایرانی‌کش آمریکا، عکس یادگاری بگیرد. چه قـاب تلخی و چه عکس شرم‌آوری. پس از جنگی که هنوز چهلم شهدای ما نرسیده... این اتفاق در حالی رخ داد که موجی از حمایت‌های ورزشی در گوشه و کنار جهان به نفع مردم ایران و فلسطین به راه افتاده بود. در همین چند روز اخیر، ورزشکاران ایرانی در مراسم‌ها، هنگام پخش سرود ملی ایران به احترام ایستاده و اغلب سلام نظامی داده بودند. حرکتی که افغانی می‌توانست با سکوت یا یک ایستادن ساده، لاقل احترام را حفظ کند اما او انتخاب دیگری کرد. بسیاری معتقدند افغانی حالا دیگر به نمادی از یک ایرانی بریده از ریشه‌هایش بدل شده است؛ کسی که سال‌ها با پرچم ایران در جام‌های جهانی، المپیک و فینال‌های مهم سوت زد اما حالا روی سن افتخار، مسیر دیگری را انتخاب کرده، مسیری که انتهایش

به زُست گرفتن در کنار ترامپ تروریست قاتل و بی‌تفاوتی به ۹۰ میلیون ایرانی ختم شد.

البته این اولین‌بار نیست که افغانی به خاطر رفتارهای خارج از زمین بازی مورد انتقاد قرار می‌گیرد اما شاید هیچ‌وقت این انتقادهـا به‌اندازه امروز، عمیق و دردناک نبوده است. او که همیشه خودش را داوری مستقل و بی‌طرف می‌دانست، حالا در نگاه بسیاری از مردم، یکی از «داورترین» شخصیت‌های تاریخ لقب گرفته. اینکه تاریخ بعدها چه حکمی برای این فعل افغانی بدهد، هنوز مشخص نیست. اما آنچه واضح است، اینکه در حافظه جمعی ایرانیان، تصویر خوش‌ویش با ترامپ، خیلی بیشتر از قضاوت‌هایش ثبت خواهد شد. شاید از این به بعد، هر وقت نام او به میان بیاید، کمتر کسی یاد داوری‌های کم‌تقصص در جام‌جهانی روسیه یا فینال‌های آسیا بیفتد. بلکه همه همان قاب تلخ و تحقیرآمیز را به یاد خواهند آورد.

و اینطور شد که در شبی پر هیاهو، قهرمانی چلسی، شکست پاریس و پرچم‌های فلسطین، همه زیر سایه یک لیخند و یک ژُست زشت بدن محو شد. لیخندی که نه فقط یک داور، بلکه هویت و غرور یک ملت را نشانه گرفت.

پس از فینال برحاشیه جام‌جهانی باشگاه‌ها بین چلسی و پاری‌سن‌ژرمن، صدای اعتراض از گوشه و کنار بلند شد اما شاید تندترین واکنش را روزنامه اسپانیایی مارکا ثبت کرد. این رسانه معتبر، انتخاب علیرضا افغانی برای قضاوت حساس‌ترین بازی باشگاهی سال را به‌شدت زیر سؤال برد. مارکا در ایکس نوشت: «برای کسانی که ما راسیستیک انتقاد می‌کنند، این بهترین پاسخ است! چنین فینالی باید داوری در



دقیقه ۲۵ با تیزهوشی، توپ‌ریایی کرد و دروازه خالی حریف را نشانه گرفت تا چهارمین گل ثبت شود. در همان نیمه اول، ایران علاوه بر ۴ گل سالم، یک گل افساید و ۲ ضربه به تیرک داشت که نشان داد بوتان کاملاً به زانو درآمده است.

نیمه دوم، شاگردان جعفری همچنان توپ و میدان را در اختیار داشتند و تیرک دروازه بوتان دوباره لرزید. نخستین گل این نیمه

طغیان جوانان کشتی ایران روی تشک آسیا

فتح قاطعانه بیشکک

اما در کنار این طلایی‌ها، ۲ نقره ارزشمند هم به دست آمد. ابوالفضل شمسعی پور در ۷۹ کیلوگرم و توحید نوری در ۹۲ کیلوگرم تا فینال راهی بی‌نقص داشتند اما در نبرد پایانی طعم تلخ شکست را چشیدند و به مدال نقره پسندد کردند. عرشیا حدادی هم در وزن ۵۷ کیلوگرم با کسب مدال برنز، سهم خود را از افتخار ادا کرد. او پس از شکست در نیمه‌نهایی، در دیدار رده‌بندی نماینده ترکمنستان را با اقتدار ۱۱ بر صفر ضربه فنی کرد و روی سکوی سوم ایستاد.

چند کشتی‌گیر دیگر هم در کنار این قهرمانان، جلدی فینالیست شدند. در آخرین نبرد، علیزاده با حساب ۵ بر صفر کشتی‌گیر قزاق را کنار زد و چهارمین طلا را برای ایران گرفت.



انتشار عکس کنار ترامپ

تیر خلاص به ملیت

علیرضا افغانی بعد از قضاوت مسابقه، دست به اقدامی زد که موجی از واکنش‌ها را در پی داشت. او در فضای مجازی عکسی از خودش در کنار دونالد ترامپ به اشتراک گذاشت؛ سوال اصلی این است: در شرایطی که تحریم‌ها و فشارهای سیاسی آمریکا زندگی مردم ایران را سخت‌تر کرده، چه دلیلی وجود دارد یک داور ایرانی بخواند چنین تصویری را عمومی کند؟ آیا انتشار عکس هم پروتکل اجباری بود؟ اگر فرض کنیم در مراسم پایانی، افغانی چاره‌ای جز همراهی با پروتکل‌ها نداشت و باید مطابق آداب رسمی عمل می‌کرد، بخش اصلی ماجرا در فضای مجازی رقم خورد؛ جایی که او با اختیار کامل، تصویر خود و رئیس‌جمهور تروریست آمریکا را بارگذاری کرد و به نوعی پیامی متفاوت فرستاد. انتظار می‌رفت افغانی، دست‌کم این بار جانب احتیاط را رعایت کند اما رسماً پیامش را فرستاد.

جامعه ایرانی، زخم‌خورده سیاست‌های تحریمی، جنگی و تهدیدهای ترامپ است. بسیاری از خانواده‌ها، چه آنهایی که در جنگ اخیر عزیزان‌شان شهید شدند، چه آنهایی که امروز زیر فشار اقتصادی روزگار می‌گذرانند، از دیدن چنین تصاویری دل‌آزرده می‌شوند.

این عکس می‌توانست منتشر نشود اما افغانی با این حرکت، نمک بر زخم مردم پاشید. جامعه ایرانی، حساسیت‌های خودش را دارد و از یک چهره شناخته‌شده انتظار دارد در بزرگه‌های حساس، بیشتر از هر زمان دیگری در کنار مردم زادگاهش باشد، نه اینکه با انتشار یک عکس، موجی از دلسردی و ناراحتی را راه بیندازد.

در نهایت، این ماجرا به ما یادآوری کرد یک داور، فقط در زمین مسابقه قضاوت نمی‌کند بلکه بیرون از زمین هم زیر ذره‌بین مردم و تاریخ قرار دارد.



تابعت استرالیا یعنی پاک کردن شناسنامه ایرانی، شاید فکر کرده‌ای بستن کامنت‌ها یعنی بستن دهان تاریخ اما تاریخ این خیانت کوچک و این لیخند حقیرانه را فراموش نخواهد کرد. امروز، نه فقط یک داور، بلکه یک نماد سقوط کرد؛ نمادی که دیگر نمی‌تواند از احترام مردم ایران حرف بزند، چرا که نشان داد با احترام هیچ لدی نیاز ندارد.

بله! تو کامنت‌ها را بستنی اما قلب مردم را چطور؟ آیا می‌توانی درد آنها را هم «بسییل» کنی؟

تاپ اروپایی را دارد.

افغانی که پیش‌تر به‌خاطر قضاوت در جام‌جهانی و بازی‌های آسیایی مورد تحسین بود، حالا با قضاوت پرسوت و عصبی، کل اعتبار خود را در چشم رسانه‌های اروپایی خشنه‌دار کرد. شاید برای داوری که روزگاری در رده بهترین‌های دنیا قرار داشت، این نقדה زنگ خطری باشد تا دوباره نگاهش به فوتبال، به طرف‌ها و فنی شود.

زمین شده بود، روی یک حرکت ترکیبی تیمی، توپ را گرفت و با ضربه‌ای مهارنشدنی، هفتمین گل ایران را به ثمر رساند. این گل، تیر خلاص بود تا بوتان دیگر حتی امید به دفاع هم نداشته باشد. جذا از ۷ گل، ۴ توپ به تیرک دروازه برخورد کرد و اگر کمی شانس با دختران ایران یار بود، می‌توانستند ۲ رقمی شوند. از نظر روحی – روانی، این برد برای ایران یک پیام قاطع به حریفان آسیایی بود: «ما برگشته‌ایم، آماده‌تر و خطرناک‌تر از همیشه!»

در این مسابقه، چهره‌هایی مثل زهرا قنبری، نگین زندی و فاطمه شیان ستاره‌های بی‌چون‌وچرای زمین بودند. عملکرد زهرا خواجوی هم در دروازه، جز آن گل غیرمنتظره، مطمئن بود. مدافعان نیز به‌خوبی در انتقال توپ و پشتیبانی حملات عمل کردند. ترکیب ابتدایی ایران شامل زهرا خواجوی، ملیکا متولی، فاطمه دادلی، فاطمه امینیه‌بrazجانی، عاطفه ورمضانی‌زاده، نگین زندی، فاطمه پسندیده، زهرا قنبری (کاپیتان)، فاطمه شیان، زهرا سربالی و زهرا علیزاده بود. مربیگری دقیق و برنامه‌ریزی‌شده جعفری موجب دختران ایرانی هر لحظه عطش بیشتری برای گلزنی دلشته باشند.

این نتیجه فقط یک پیروزی پر گل نبود، بلکه نمایشی بود از اتحاد، قدرت ذهنی و عطش تیم ملی زنان ایران برای دیده شدن در سطح قاره. دیگر هیچ کس نمی‌تواند این تیم را دست‌کم بگیرد. وقتی شیرزنان ایرانی به زمین می‌آیند، توفان به پا می‌شود، درست مثل این بازی پرهیجان در امان.

نتوانستند به مدال برسند. محمدرضا لطفی هم در سنگین‌وزن پس از شکست مقابل نماینده هند و سپس باخت حریفش در مراحل بعد، شانس ادامه مسابقات را از دست داد و حذف شد. تیم ملی کشتی آزاد جوانان ایران با ۱۷۹ امتیاز، جام قهرمانی را در حالی بالای سر برد که تیم‌های هند و قرقاستان به‌ترتیب، ۱۵۷ و ۱۳۳ امتیاز، در رده‌های دوم و سوم ایستادند. ژاپن، قرقیزستان و ازبکستان هم پایین‌تر از ایران، به رده‌های چهارم تا ششم رضایت دادند.

این قهرمانی نه یک افتخار معمول و همیشگی، بلکه نشان از عمق استعدادیابی و قدرت ساختار فنی در کشتی ایران دارد. جوانانی که امروز روی سکوی قاره ایستادند، فردا می‌توانند امید مدال‌های جهانی و المپیک باشند. بازگشت از بیشکک با کوباباری پر از طلا، نقره و برنز، یک پیام روشن داشت: «کشتی ایران، همیشه و همه جا، آماده تاختن است.» این پیروزی مثل یک هشدار برای رقبا بود؛ هشداری که می‌گوید باید آماده پذیرش موج تازه‌ای از آزادکاران ایرانی باشند.